

یادداشت ویژه بازجویی حمید عباسی(نوری) در استکهلم - سوئد

بازپرسی حمید نوری طی جلسه هشتم مارس، جزنمایش

مسخرگی و لُودگی، هیچ چیزی برای دادگاه استکهلم نداشت!

امیر جواهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com



شرح عکس از راست به چپ ردیف بالا: محمدرضا نیلی- نوری- مجیدنوری- علاالدین ارهانی
میرمحمدی و نیلی
ردیف وسط - اعتراض خیابانی در برابر عوامل سفارت
جمهوری اسلامی استکهلم
ردیف پائین: عطیه دختر نوری- رحمان درکشیده شاهد دادگاه- داماد نوری- عطیه و همسر
نوری

=====

روزهای سه شنبه و چهارشنبه (هشتم و نهم) مارس ۲۰۲۲ برابر (هفدهم و هیجدهم) اسفند ۱۴۰۰،
دور دوم و پایانی بازپرسی و دفاعیات حمید نوری (عباسی)، در دادگاه استکهلم با موج وسیع
حضور شاهدان و شاکیان از کشورهای مختلف در استکهلم پایتخت سوئد شکل گرفت .

توضیح اینکه در روز سه شنبه خود حمید عباسی(نوری) سخن راند و در روز چهارشنبه نهم
مارس، وکلای نوری و در ادامه دادگاه رفیق «رحمان درکشیده» از فعالان سازمان اقلیت ،
از کشور هلند و از طریق ویدئو کال با دادگاه تماس گرفت و به پرسش های وکلای نوری
پاسخ گفت. قابل ذکر است: رفیق «رحمان درکشیده» در جریان شصت و سومین جلسه دادگاه

حمید نوری به تاریخ ۲۷ ژانویه/۷ بهمن شهادت خود را ارائه داد، اما وکلای نوری گفتند: از او سوالاتی دارند، به همین جهت جلسه تکمیلی با او عصر چهارشنبه برگزار شد.

قابل ذکر است وکلای حمید نوری مخالف صحبت کردن های کشدارو بی محتوای موکل خود هستند، چراکه هر آنگاه که صحبت کرده در دل درازگویی هایش به نوعی خودش را لُوداده است و کار رو دست وکلایش گذاشته است. باری طی دو روز با جویی شخص حمیدعباسی(نوری) جزمسخرگی - ریخت وپاش های اضافی- لُودگی - توهین- دلکک بازی- خود شیفتگی - پراکندن بدویبراه به وکلای مشاور- دستمال بدستی در برابر رئیس دادگاه- ترور فیزیکی شاکیان وشاهدان دادگاه- چاپلوسی- شارلاتیزم- استغاثه- رندی- زبونی- نمایش تاترال- لمپنیسم آشکار- بذله گویی های ابلهانه- زرنگ جلوه دادن خود در حفظ اسامی و شماره تلفن - بکارگیری واژه های نچسب- اعتماد به نفس سُوری- کرنش گری به قدرت حاکم در ایران- پیام افشانی برای کارگزاران نظام ودستگاه سخن پرانی، خاصه برای تولیدکنندگان «استکهلم نامه»، کتمان حقیقت وانکار مطلق همه چیز، هیچ چیزی فراتر از ادعای شش جلسه گذشته اش در آذرماه (نوامبر ۲۰۲۱) برای دادگاه استکهلم نداشت!

در حاشیه این روز، جنب شاکیان وشاهدان گرد آمده در دادگاه، خانواده نوری(همسر- دختر- پسر و مادام)، حتی در روز چهارشنبه نوه نوری را هم به دادگاه آورده بودند که قاضی ساندر، او را به بیرون راهنمایی کردند و گفتند دادگاه جای بچه نیست. دادگاه نوری در این دوروز، در معیت دونفر از سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم از جمله: کاردار سفارت «محمد رضا نیلی» ومحافظ شخصی ایشان نیز حضور داشتند تا خبر رسان سریع ودست اول "دفاعیات" شخص نوری در بسته بندی فراتر از شبکه های یوتوپ وخبرگزاری های حاضر در نشست دادگاه استکهلم، کسب خبر از شاهدان وشاکیان، گزارشات وتصویر برداری ویژه خود را به زبان چوبین، به کارگزاران نظام ارسال دارند.

باید اضافه نمایم: جدا از جلسه روزهای سه شنبه و چهارشنبه، وکلای اونیز باز فرصت خواهند داشت که تا در دو نشست دیگر وشاید هم یک جلسه رزرو، دفاع از این "مجرم" رابعده گیرند و این مورد(نشست رزرو) را روند دادگاه وتشخیص خود دادگاه روشن می نماید.

امروزه روز که دستگاه امنیت وقوه قضایی و ارتش سایبری بعد از نزدیک به دو سال سکوت نسبت به بُودن «حمید نوری» در زندان سوئد، از خود بی توجه ای نشان دادند، به یک باره به قصد جبران مافات خویش، تولید ویدیوهای از حرفهای مشعشعانه نوری رادربسته بندی تولید روزانه (استکهلم نامه)، از سری تولیدات ارتش سایبری و پایگاه خبری قوه قضائیه، برای زیر علامت سئوال بردن دستگاه قضای سوئد، دادگاه استکهلم، ستیز ودشمنی آشکار خود با تمامی شاکیان وشاهدان این دادگاه یعنی فعالان سیاسی رها شده از اعدام های سال ۶۷ وخانواده های اعدام شده گان حاضر در دادگاه استکهلم می پردازد و به شکل فیلم های کوتاه سریالی در کانال تلگرامی روزانه عرضه می گردد.

در روز هشتم مارس کنت لوئیس، موکل شاکیان و شاهدان مجاهدین، همه ادله خود را در نقد نگاه و نظر تاکنونی حمید عباسی (نوری) پیرامون اثبات حکم خمینی برای قتل عام های تابستان ۱۳۶۷ در این روز بخدمت گرفت و مجموعه داوری ها و اظهارات تاکنونی سران نظام پیرامون حکم خمینی را از مطبوعات جمهوری اسلامی و حتی "خبرگزاری تسنیم" نزدیک به سپاه پاسداران به دادگاه ارائه داد و تلاش نمود آنها راحتی با نقل قولی از خود "مسعود رجوی" نیز همراه کند و مشخص سازد که خود بعنوان یک وکیل مدافع اعضاء این سازمان، کجا ایستاده است!

در مجموع می توانم بگویم: کنت لوئیس با ارجاع به اظهارات مقامات ارشد نظام اسلامی اعم از زنده و مرده هایش گفت: آنها همگی این فرمان خمینی را تایید کرده اند. کنت لوئیس از جمله: به اظهارات خامنه ای رهبر فعلی و موسوی اردبیلی از مقام های ارشد قضایی وقت و محمد یزدی رئیس سابق دستگاه قضایی، علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت، ابراهیم رئیسی و محمد نیازی اشاره کرد.

حمید عباسی (نوری) در روز هشتم مارس در رد اسناد ارائه شده «کنت لوئیس» با همه تاکیدی که او به (نوری) داشت گفت؛ تاکید می کنم: به مانند وکلای خودت به موکلان ما که همواره خواستار بله و نه گفتن آنها می باشند، توهم کوتاه پاسخ بده و بگو: آری یا نه!

حمید عباسی (نوری) با کلی صغری و کبری، لودگی و مسخرگی پیشه کردن و کینت و کینت گفتن، ضمن پاسخ منفی به همه شواهد اثباتی وکیل مشاور، رو به قاضی ساندر به نوعی نمایش حق به جانب، رئیس من بارها گفتم: این فتوا نیست این یک نامه است که در کتاب خاطرات منتظری آمده است. خطاب به "کینت لوئیس" در باب حکم خمینی برای فرمان قتل عام هزاران نفر در تابستان ۱۳۶۷ بار دیگر ادعا کرد: «شما کل وقت من را گرفتی، امروز ما تا عصر با هم مذاکره می کنیم، خواهش می کنم وسط حرف من نیا، من در خصوص ۵ جلسه در بازپرسی پلیس صحبت کردم، در ۶ جلسه دادگاه که دفاعیه داشتم در مورد این نامه خیلی صحبت کردم، سوال شما یک سوال انحرافی است... و افزود: «حرف من این است این نامه ای است که در کتاب منتظری منعکس شده، ۲۱ سال پیش... خود منتظری در کتابش می گوید: این نامه ای است که خمینی نوشته است» و خطاب به رئیس دادگاه گفت: «آقای توماس ساندر، کلا حرف من این است، این مطلب را به عنوان یک سند نمی توان در یک دادگاه بین المللی استفاده کرد، من این نامه را نه تایید می کنم نه رد، این اسمش فقط نامه ای است که می گویند: حضرت امام خمینی نوشته □ منتظری مرده من به عنوان شاهد در دادگاه او را می خواهم، من می گویم: منتظری دروغ گو است و نمی توان به حرفش اعتماد کرد. اسم سه نفر در این دادگاه آمده و اگر این سه نفر این نامه را تایید کردند من حمید نوری، مظلوم این پرونده تایید می کنم. و همین طور حضرت آیت الله رئیسی، رئیس جمهور محبوب ایران چون در این مورد اظهار نظر کردند من حرف های ایشان را تایید می کنم □ خیلی ممنون از توجه شما.» حمید نوری پیشتر گفته بود: «آیت الله منتظری با حکومت و آیت الله خمینی به مخالفت برخاسته بود. او امروز نیز تکرار کرد: آیت الله منتظری دروغ گو است.»

و سرانجام به کل دادگاه شلیک نمود و گفت: «حرف من حمید نوری است، دقت بفرمایید، من می گویم: اینجا یک دادگاه بین المللی است و می خواهد تصمیمی را در مورد ۸۵ میلیون

مردم ایران بگیرد، نمی‌شود کاغذی را به صورت مستند تقدیم کرد در صورتی که اصالت ندارد پس نمی‌توان اصالتش را تایید کرد. حرف من این است..»

در این میان اولاً باید با قاطعیت به این مردک جفنگ و قهرمان انکار مطلق گفت: این دادگاه " ۸۵ میلیون مردم ایران " نیست، این دادگاه تو "نوری" جانی و متهم کارد بدست جنایات صورت داده در زندان های تهران (قصر- قزل حصار- اوین- گوهردشت) هست که بیشترین خباثت ها را انجام دادی و هیچ ارتباطی با مردم ایران ندارد و امروز یک جامعه ی به وسعت جغرافیای ایران نظاره گراخبار هر روزه صحنه های این دادگاه اند و منتظر نتایج محاکمه تو و اعلان طول مدت زندانت می باشند. دوما باید گفت : آنچه در محکمه دادرسی دادگاه است کهلم دیده می شود، به عینه تجلی رفتار حکومت دینی در حق مردمان دادخواه جامعه ما است که عینا در هیکل نوری دیده می شود!

در روز سه شنبه در قبال پرسش "کنت لوئیس" از «نوری» مبنی بر شنیدن نوار صدای مغیثه (ناصریان) و رازینی که ارائه شده توسط مجاهدین به وکیلشان است. در باب صحت محتوای آن حمید عباسی (نوری) پاسخ می دهد: « شما می گوئید، من هم میپذیرم» کنت لوئیس ادامه داد: «مطلبی در گفته های رازینی هست که می گوید تو بازجو/بازپرس بودی، درست است؟ نوری می گوید : نه! کنت لوئیس می پرسد: پس چطور بقیه حرف هایش درست است؟ نوری کوتاه نمی آید: «من چه می دانم، آقای رازینی زنده هستند... یکی از مشکلات این پرونده همین است که از هیچ کسی استعلام گرفته نشده..»

کنت لوئیس می گوید: «خودت حتما آگاه هستی که هم دادستان ها و هم وکلای مدافع خودت تماس گرفتند اما نه توخواستی با آنها صحبت کنی، نه آنها با تو صحبت کنند؟» حمید نوری فریاد برآورد: «دروغ است... یک مدرک کتبی دادستان استعلام کرده که هنوز به من نشان نداده اند...» رئیس دادگاه به حمید نوری گفت: «هر اطلاعاتی دارد به زبان آورید و در غیر این صورت بگویید: خبر ندارم...» کنت لوئیس خطاب به نوری در باب دوران کارکردش در زندان گوهردشت اعلان داشت: «می دانی که ما لیست تلفن ات را داریم، من ادعا می کنم که اکثر اسامی که در لیست تو وجود دارد مربوط به رجایی شهر، یعنی گوهردشت است، این را چگونه توجیه می کنی وقتی می گویی تنها چند بار به زندان گوهردشت رفتی؟» حمید نوری بار دیگر از پاسخ مستقیم طفره رفت گفت: «جواب قبلیم ناقص ماند ولی به احترام رئیس دادگاه بی خیالش شدم...» رئیس دادگاه قاضی ساندرگفت: «مایل نیست از این سبک انتقادات بیان شود» و گفت: «از ایران کمک حقوقی خواسته شده و اگر حرفی دارد بگوید» و نوری دوباره با رجعت به شارلاتیژیسم ذاتی اش، حرف هایش را تکرار کرد. همه تلاش نمایشی «حمید نوری» بر پایه نوارهای ارائه شده مجاهدین - که در اساس جزء مستندات دادستان ها نیست- و کنت لوئیس با مشارکت مجاهدین آنرا در اظهارات امروزش جاداد، دران نوار صوتی «حمید نوری» را کارمند جزء وساده معرفی کند و «نوری» نیز بر این امر پای می کوبد!

کنت لوئیس با رجعت به دادهای اطلاعاتی خودش از نوری می پرسد خوب: «به سوال برگردیم چرا این همه اسامی گوهردشت در تلفن ات است؟»

حمید نوری با درشتی تمام می گوید: «اولا به خودم مربوط است... من با همه کسانی که در همه این سالها دیدم و کار کردم، ارتباط دارم. من از سال ۷۳ موبایل دارم، در آن موبایل حداقل ۵۰۰ نفر هست که من با آنها ارتباط دارم، پلیس گفت: من بیش از ۲۷۰۰ تماس تلفنی داشتم. من گفتم اوکی، من در دادسرای تهران-اوین کار کردم، یعنی باید یک چهارم تماس‌های من مربوط به زندان اوین و زندان‌هایی باشد که من رفته‌ام... یعنی باید ۵۰۰ تا از تماس‌هایی که زدم به زندان اوین، قزل‌حصار، رجایی‌شهر و قصر بوده باشد و ۲۰ اسمی که در مورد رجایی‌شهر می‌گویید، اشتباه می‌کنید. ما مراسم‌های مختلفی که سالانه داریم بچه‌های زندان اوین دورهم جمع می‌شویم و بچه‌های زندان‌های دیگر هم می‌آیند و شماره‌ها بین هم رد و بدل می‌شود. زندان رجایی‌شهر و اوین خیلی بهم مرتبط بودند چون یک حوزه دادگستری هستند و اسامی که در تلفن من هست. سه چهار نفرشان مربوط به همان چند باری است که به رجایی‌شهر رفتیم. من بعد از اینکه بازنشسته شدم چند باری بازهم به رجایی‌شهر رفتم... این پاسخ حساب شده ورنه وندانه و زیرکانه «حمید نوری» برای در رفتن از زیر بار پست دادیاری زندان گوهر دشت و توضیح موقعیت خود، حول گستردگی ارتباطاتش می‌باشد. با این همه در قبال پرسش‌های مشخص کنت لوئیس مجبوری شود که از سطحی از ارتباطات خود با نقشه مندی تمام با لفاظی کلامی و نوعی پیام به ساحت مقام جنابانی که امروز براس دستگاه قضائیه اند از جمله: محسنی اژه‌ای که از او به نام «حضرت آیت‌الله محسنی اژه‌ای»، در حال حاضر رئیس پر افتخار قوه قضائیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است.» یاد می‌کند. بعد سراغ حاج آقا علی مبشری، الان یکی از قضات عالی رتبه جمهوری اسلامی است. شیخ زکی پور، «سومین دادیار زندان اوین و رئیس من بود» و برای اثبات ارادتش به او هفت شماره موبایلش را بر زبان میراند و می‌گوید: «بقیه را نمی‌گویم.»

کنت لوئیس می‌پرسد: «سهراب سلیمانی کیست؟»

حمید نوری پرونده جدیدی می‌گشاید: «سهراب سلیمانی برادر سردار شهید ایران حاج قاسم سلیمانی است که توسط آمریکای جنایتکار پارسال ترور شد... ایشان چند سال قبل مدیرکل زندان‌های استان تهران بودند. من در شرکتی که کار می‌کردم، رئیس شرکت با این آقا مسائل زمین و باغداری را هماهنگ می‌کردم، چون زندان‌های تهران بزرگ‌ترین باغ پسته در ساوه را دارد و رئیس من بزرگ‌ترین باغ انار در ساوه را دارد که ۴۰ هکتار است، این دو تا باهم سلام علیک داشتند من شماره‌اش را گرفتم و دعوتش کردم...»

کنت لوئیس دیگر بار سراغ حسین علی نیری میرود و می‌پرسد: او را چگونه می‌شناسی؟ حمید نوری با زبلی خاص خودش و نوعی زبان بازی، پاسخ می‌دهد: «آقای نیری وقتی من در اوین کار می‌کردم، قاضی دادگاه انقلاب بودند و هر روز صبح نماز جماعت می‌خواندیم، مقابل دادسرای انقلاب که یک محوطه بسیار زیبا بود... منم هر روز در نماز جماعت شرکت می‌کردم و در طول این ۳۰ سال در مراسم‌های مختلف حاج آقا را می‌دیدم.» کنت لوئیس ضمن شنیدن موعظه نوری باز ادامه می‌دهد و می‌پرسد: «در این رفت و آمدها، نیری از نقش‌اش در هیأت مرگ هیچ‌گاه چیزی گفت؟»

حمید نوری با سماجت حرف‌های خودش را می‌زند تا به سؤال وکیل پاسخ ندهد: «یکی از کارهای خوب من این بود که فتوای این‌ها را به حکم تبدیل کردم. کدام کمیته مرگ؟ کدام

هیات مرگ؟ همه این‌ها یک سری مزخرفات است، داستان چی بوده که من بخواهم سوال کنم..»

کنت لوئیس مجدداً می‌پرسد: « شما مگر حرف‌های ابراهیم رئیسی را نشنیدی؟ » او گفت: « در حکم خمینی سه نفر مامور شدند که یکی نیری بود، اشراقی و نماینده وزارت اطلاعات پورمحمدی « من می‌پرسم : « آیا خمینی او را جزو ۳ نفر منصوب کرد؟ » باری ابراهیم رئیسی در این فایل ضمن تایید حکم آیت‌الله خمینی گفت: « نه نامش و نه سمتش " در این حکم نبوده است. آقای رئیسی بدین ترتیب حضور خود در هیات متصدی اعدام‌ها را رد کرد. »

بدین ترتیب حمید نوری به استراتژی پیشین اش انکار مطلق برمی‌گردد و با نمایشی سفسطه‌بازانه می‌گوید : « من می‌گویم کل این داستان، ساختگی و دروغ است. آیت‌الله رئیسی می‌گوید: حکمی صادر شده و افرادی که حکم اعدام داشتند و در دیوان عالی کشور مورد تایید شده بود، شما می‌خواهید از من حرف بکشید؟..»

کنت لوئیس دیگر بار می‌گوید: « سوالم را صریح پرسیدم، شما با نیری رفت و آمد داشتی، هیچ وقت از نقش‌اش در این هیات سه نفره چیزی گفته است؟ »

حمید نوری بار دیگر پرسش مشخص را دور می‌زند و می‌گوید: « متهم این پرونده منم، بگذارید جواب بدهم این نامه‌ای که شما مطرح می‌کنی من قبول ندارم، نه تایید می‌کنم نه رد، حکمی که آیت‌الله رئیسی گفتند: از این نامه جداست... من هم در مراسم افطاری سوالی از حاج آقا نیری نپرسیدم چون به من مربوط نبوده و داستانی که در مورد کشتار ۶۷ پخش شده همه اش چرت و پرت و دروغ بوده و السلام... بریم سؤال بعدی»

اینجاست که سؤال بعدی حال « نوری » را بهم میریزد و خودش را به کل به خیریت می‌زند و با شامرتی بازی آسمان و ریسمان را به میریزد و رو به رئیس دادگاه قاضی ساندر، با دست و پا، سر و گردن همه چیز را بهم میریزد ...

کنت لوئیس رو به نوری ، اگر نخواستی می‌توانی جواب ندهی . من فایل و پیام صوتی از تو، به دستم رسید که تو از محل بازداشت در دهم جون ۲۰۲۰ ساعت دوازده، صحبت داشتی، آنهم وقتی محدودیت داشتی، حالا بگو چه جوری موفق شدی و توانستی این پیام صوتی را بیرون بدهی؟

حمید نوری: اصلاً متوجه سوال شما نمی‌شوم. وکلای مدافع حمید نوری به کمک او می‌آیند و گفتند: « هیچ کس نمی‌فهمد راجع به چه صحبت می‌کند... » کنت لوئیس رو به دادگاه گفت: « بعداً فایل صوتی را تحویل خواهم داد. »

در همین رابطه دادستان نیز توضیح می‌دهد: « حمید نوری مکالمه‌ای با خانواده‌اش داشته که از طریق واتس‌آپ ضبط شده و بعداً می‌خواهد به آن استناد بکند. » کنت لوئیس افزود و گفت: « این اقدام حمید نوری جرم است زیرا نقض محدودیت‌های اعمال شده است. »

رئیس دادگاه گفت: « درست است که جرم است، ولی ربطی به موضوع دادگاه ندارد، مگر اینکه در محتویات فایل صوتی اطلاعاتی رد و بدل شده باشد. »

و آخرین پرسش کنت لوئیس هم در نوع خود ، بار دیگر واکنش « نوری » را نسبت به انکار اعدام‌ها را در روز چهارشنبه هشتم مارس در دادگاه شنیدیم.

کنت لوئیس روبه متهم دادگاه ومی پرسد: « ما تا اینجا کلی اظهارات شاهدها و شاکی‌ها را شنیدیم، به مانند : اشکان مهدی‌زاده، مجید صاحب‌جم، محمود رویایی، حسین فارسی و خیلی‌های دیگر، همه می‌گویند: که درجای مختلف تورادرایام اعدام‌ها در زندان گوهردشت دیده‌اند، یعنی ما واقعا باید حرف این آدم‌ها را نادیده بگیریم؟»
حمید نوری با نگاه اعجاب برانگیز می‌گوید: «نمی‌گویم نادیده بگیر، گوش کن، همه را از آن گوش بده بیرون و در کن... بچه‌های آلبانی بدبخت و دروغ‌گو هستند، یک سری از این‌ها کردند در زندان آلبانی، همه دروغ‌گو هستند...»

تا اینجا کار چند پرده روشن شد: حمید نوری دارد بی پروا و با نهایت هوشیاری به همه سران نظام پیام می‌دهد که من در دادگاه بین المللی سوئد، هوای شما را با احترام و تمام و کمال دارم و از شما نیز چنین انتظاری می‌رود.

یک نکته در بیان نوری روشن می‌دارد؛ که برملا کردن واگذاری زمین های باغ پسته و باغ اناردر ساوه، نشان از رانتی است که این نظام فاسد به آدم کشان و بازجویان و کوچک ابدال های خود در ساوه و دیگر نقاط واگذاری کند تا آنها را برای هر سطح از جنایات و فرامینی که صادر می‌کنند با خودشان تا روز مبدا همراه گردانند!

صحنه نمایشی این روزپرسش وکیل مشاوره‌سلبی وپاسخ نوری بوده است. وکیل مشاوره‌پرسید: «شما املاکی در اروپا دارید؟»

حمید نوری با قیافه حق به جانبی گفت : «خیلی دوست دارم داشته باشم ولی ندارم، حدود ۱۵ هزار کرون سوئد را دارم و بعد از اینکه آزاد بشوم پس می‌گیرم و وقتی آزاد بشوم، بابت خسارتی که در این دادگاه به من وارد شده یک خانه در شهر استکهلم و دو ماشین ولوومی گیرم!»

نمونه دیگر خودشیفتگی حمید نوری بخودش در ادعای روز چهارشنبه هشتم مارس این بود که گفت : «من نام همه شاکی ها و شاهد ها را می‌توانم نام ببرم . من فوق العاده ذهنم فعال است . من چهارده پلیس سوئد را که از من بازجویی کردند. همه را قبلا نام بردم»

اما روز چهارشنبه نهم مارس ۲۰۲۲، نوری به کناری نهاده شد و تمام مدت وکلای حمید نوری بودند که مجموعه تلاش های تاکنونی دادستانی و حضور شاکیان و شاهدان و خانواده های دادخواه در دادگاه را زیر علامت سؤال بردند و به شیوه مالوف خویش اعدام زندانیان را "ادعا" قلمداد کردند و همه را به هیچ گرفتند تا از موکل جنایتکار خویش دفاع نمایند.
وکلای نوری اظهارات شاکیان و شاهدان نوری را متناقض اعلان داشتند. آنها در دادگاه ادعا نمودند و روز چهارشنبه به انکار همه مطالب بخش وسیع شهود برآمدند و گفتند: «پیش از دستگیری موکلشان، شماری از شاهدان و شاکیان پرونده در اظهاراتشان نامی از حمید نوری با نام مستعار عباسی نبرده بودند.» وکلای آقای نوری همچنین اضافه کردند: «برخی از شاهدان و شاکیان پیشتر محل اعدام برخی از زندانیان سیاسی را زندان اوین عنوان کرده بودند و نه زندان گوهردشت. در کیفرخواست دادستانی سوئد نام برخی از کشته‌شدگان ذکر شده است.

وکیل نوری در قبال اعتراض دادستان که شما گزارش نمی‌دهید، بلکه تحلیل نهایی یا دفاع نهایی خود را بعنوان نتیجه‌گیری اعلام می‌دارید .

وکیل نوری گفت: «هدفم این نیست، الان دفاعیه را تحویل بدهم، اما همه افرادی که از آنها بازجویی شده، قبل از آن در مورد این مسئله صحبت کرده‌اند، مثلا در بنیاد برومند و ایران تریبونال و جاهای دیگر و آنها بعد از دستگیری حمید نوری اظهاراتشان را عوض کنند. آنها درباره خویشاوندانشان که اعدام شدند، صحبت‌شان نیز تغییر یافته، مثلا اینکه کجا و چه زمان اعدام شده‌اند... و موضع ما این است بعد از دستگیری حمید نوری آنها اسم حمید عباسی را اضافه کرده‌اند و می‌خواهم با کمک این مدارک آن را ثابت کنیم...» به همین خاطر لیست بالا بلندی از اسامی اشخاص شاکی و شاهد و خانواده‌های دادخواه را فهرست نمود از جمله با اشاره به اسامی: «عصمت طالبی کلهرانی در باره برادرش عادل طالبی - مختار شلالوند در باره حمزه شلالوند - لاله بازرگان در باب بیژن بازرگان - ویدا رستم‌علی‌پور درباره همسرش مجید ایوانی فرد - صدیقه حاج محسن در باره برادرش حسین حاج محسن - سیدجعفر میرمحمدی برنجستانکی در باره برادرش سید مهدی برنجستانکی - مهری حاجی نژاد در باره برادرش علی حاجی نژاد - خدیجه برهانی در باره برادرش حسین برهانی - سارا روزه دار در باره برادرش عادل روزدار - سولمازعلیزاده در باره پدرش محمود علیزاده اعظمی - شاکی اصغر مهدی‌زاده - شاهد محمد خدابنده لویی - شاکی حسین ملکی - شاهد منوچهر اسحاقی - شاکی مهدی اصلانی - شاکی مهرداد نشاطی - شاکی حمید اشتیری - شاکی رحمان درکشیده - شاکی امیرهوشنگ اطمیابی - شاکی محمد ایزدجو - شاکی ایرج مصداقی - حسین فارسی- و... این مجموعه حرف‌ها را نادقیق و متناقض اعلام داشته است.

وکیل نوری در آخرین کلام خود افزود: «کتاب ایرج مصداقی استناد کنیم که مشخص کرده در چه روزهایی در گوهردشت اعدام‌ها انجام شده و می‌گوید غیر از این روزها هر کسی چیز دیگری بگوید اشتباه است. اهمیت روزهای ایرج مصداقی و امیرهوشنگ اطمیابی که برای تاریخ اعدام‌ها اعلام کرده مهم است که در دفاع نهایی آن را بیشتر باز می‌کنیم.»

باید اعلام دارم: وکیل نوری با تردستی و به شیوه تاکنونی خود، کلی دادستان سرایی نمود، تا شعاع العمل جنایتکارانه حمید نوری و همه جنایات رژیم درکشتار ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت رابشوید و پاک کند و کیفرخواست دادستان و مستندات او را باطل اعلام دارند.

دادگاه استکهلم در روز چهارشنبه، جلسه نهم مارس به ادامه بازپرسی از رفیق «رحمان درکشیده» از فعالان سازمان اقلیت، ساکن کشور هلند است و از طریق ویدئو کال در جلسه حاضر شده بود. رحمان پیشتر در شصت و سومین جلسه دادگاه شهادت داد. رحمان هم‌محله‌ای حمید نوری بوده و او را خوب می‌شناسد و در ادامه شهادت نیز سریع و شفاف صحبت کرد و به پرسش‌های باقیمانده وکلای نوری پاسخ داد.

وکیل مدافع حمید نوری گفت: «تنها چند سوال از رحمان درکشیده دارد و چون زمان زیادی از آخرین باری که صحبت کردند، گذشته است. خلاصه‌ای از آنچه در جلسه قبل گفته شده را می‌گویم و ادامه می‌دهد: رحمان درکشیده گفته بود ۱۸ بهمن ۱۳۶۷ آزاد شده و همسایه خانواده حمید نوری بوده است.» و حالا می‌پرسم: «بعد از آزادی کجا زندگی می‌کرده است؟» در این مرحله اسم شهرستان لنگرود هم اولین بار در دادگاه شنیده می‌شود. رحمان

درکشیده می گوید: «به همان خانه برگشتم چون پدر و مادرم خانه را فروخته بودند و در شهر لنگرود یک خانه خریده بودند به آنجا رفتم...»
وکیل مدافع حمید نوری پرسید: «بعد از آزادی از زندان، هیچ اطلاعاتی گرفتی که خانواده حمید نوری، نقل مکان کردند یا همانجا ماندند؟»
رحمان درکشیده گفت: «با اطمینان نمی توانم بگویم، اما شنیدم دیگر آنجا نیستند. از یک دوست قدیمی این را شنیدم... نمی توانم اسمش را بگویم چون منطقی نیست.» وکیل حمید نوری در ادامه پرسید: «از لحاظ زمانی چه وقت این دوستت گفت حمید نوری و خانواده اش از آنجا رفتند؟» رحمان درکشیده گفت: «فکر می کنم ۳-۴ سال بعد از آزادی ام او را دیدم...»

وکیل حمید نوری ادامه داد: «دفعه قبل گفتی یک بار در سال ۱۳۶۵ به دادیاری اوین رفتی و چشم بند داشتی و شخصی از تو سوال پرسیده و این سوالات افشا کرد سوال کننده کیست؟، چون فقط سوالاتی بود که بهمن یا برادرت می دانستند، بعد چیز دیگری گفتی که من درست متوجه نشدم، برای همین الان می خواهم بپرسم: فکر کنم گفتی یک پاسدار وارد شد و گفته تو همسایه او هستی، می توانی توضیح بیشتری بدهی؟»
رحمان درکشیده بدون کمترین تردید، آن پاسدار را درهیکل وجودی نحس خود حمید نوری دید و پاسخ داد: «ابتدا بگویم: وقتی خوب فکر کردم، نوری بود، سعی کرد فقط سوال از من بپرسد، اصلاح حرف نمی زد، شاید می ترسید من از روی صدا بیشتر بشناسمش، بعد وقتی همه سوالات را پرسید و بازجویی تمام شد برای اینکه من را همراه کند و فکرم را عوض کند، این نمایش را این گونه ترتیب داد که بعد از بازجویی یک نفر داخل بیاید، البته شاید نشسته بود و فقط در را باز بسته کرد، که من فکر کنم تازه وارد شده و شروع کرد به گفتن اینکه این بچه محل ماست، ولی اینقدر مسخره این نقش را ایفا کرد، که من خنده ام گرفت...»
درباب سؤال های تکراری وکلای نوری، رحمان اعتراض نمود و قاضی ساندر، رئیس دادگاه به وکلای نوری توضیح داد، دفعه پیش هم همین سئوالات را کردید و او جواب داد. بدین ترتیب جلسه گفتگو با رحمان درکشیده به پایان رسید.

درحاشیه جلسه روز چهارشنبه نهم مارس، چند موضوع را می خواهم، مسئولانه ثبت کنم:

اولین بحث: دادگاه روز چهارشنبه نهم مارس، در باره درخواست کمک حقوقی و قضایی از دستگاه قضایی ایران بوده دهن باز کرد. وکلای نوری گفتند: «ما وقتی دادگاه شروع شده بود نظر خودمان را گفتیم و در دفاعیه نهایی لازم می دانیم دوباره به این مسئله برگردیم. دادستان خودش گفته بود وقتی در این باره صحبت می کنیم غیرعلنی باشد، فقط می خواهم بگویم که آنها را تحویل دادگاه می دهیم.»

رئیس دادگاه به وکلای نوری گفت: «نمی توان برگه ای ارائه داد و مدعی شد این جزو اسناد باشد یا نه؟» وکیل حمید نوری گفت: «این درخواست دادستان بوده که علنی صحبت نشود» و افزود: «می خواهند بدانند چگونه دادستان ها، درخواست کمک قضایی از قوه قضائیه ایران کرده اند و چه نوع درخواست هایی داشته اند؟»
قاضی ساندر، رئیس دادگاه بدون کمترین تعللی گفت: «آنها درخواست کرده اند و جواب نگرفته اند، همان طور که خود شما درخواست کرده اید و تا حال جوابی نگرفته اید»

دادستان درپاسخ گفت: «چون ممکن است تا پایان دادگاه به او جواب بدهند، نمی‌تواند همچنان در این باره صحبت کند و قصد ندارد، سوالاتش را افشا کند. چرا که شاید تا پایان دادگاه، مقامات قضایی ایران به او پاسخ بدهند.» رئیس دادگاه گفت: «چون این مسئله محرمانه است ما باید غیرعلنی مشورت کنیم و بعد نتیجه را اعلام می‌کنیم.» بدین ترتیب رئیس دادگاه از حاضرین خواست ازدادگاه بیرون بروند و ادامه جلسه محرمانه برگزار می‌شود.

بعد از یک جلسه مشورت غیرعلنی درباره نحوه درخواست کمک قضایی دادستان از قوه قضائیه ایران، دادگاه دوباره به صورت علنی از سرگرفته شد. حمید نوری هم مشورت کوتاهی خارج از سالن دادگاه با وکلای مدافعش داشت. رئیس دادگاه نتایج نشست غیرعلنی را برای دادگاه محفوظ دانست.

میخواهم نگاهم را در این باب بنویسم: موضوع روابط پنهانی دادستانی با دستگاه قضایی ایران، این پنهانکاری البته با سوال وکیل نوری - همانطوری که در بالا شرح دادم - در نشست دیروز باز شد. آشکار شدن طرح "پنهانی" حقیقت آزمایی دادستانی از رژیم ایران با طرح سوالاتی در مورد کشتار که تا اینجای کار حتی سوالات هم آشکار نشده و پنهان ماندند، خوب است روزگاری رو گردد و هر جوابی را هم مقامات قضایی رژیم بخواهند منظور بدارند، صد البته افشاء خود است، اما پنهانکاری این رابطه نامه نگاری بدین شکل - که در رقابت وکلای مدافع متهم و دادستانی رو گردد - نشان از عدم استقلال دستگاه قضایی دارد. باشد که روزی پرسش‌ها دادستانی علنی گردد و افکار عمومی دادخواه جامعه ما حقیقت ماجرا را دریابد!

دومین موضوع؛ اظهارات قاضی ساندر، رئیس دادگاه در پایان جلسه روز چهارشنبه نهم مارس بود که اعلام کرد و گفت: فردا «جفری رابرتسون»، وکیل حقوق بشری در دادگاه شهادت خواهد داد. گزارش جفری رابرتسون جزو اسناد پرونده دادگاه است

بدنبال این خبر، قاضی ساندر افزود: «پرونده نوری به نسل کشی ارتباطی ندارد و ادله لازم برای صدور حکم نسل کشی از نظر حقوقی در این پرونده، وجود ندارد. بنابراین بحث کنت لوئیس از وکلای شاکیان پرونده، رد می‌شود. به گفته قاضی ساندر، این تصمیم دادگاه قطعی است و کسی حق شکایت هم ندارد»

در ضمن این بحث یکی از طرفین حتی "منافع دولت سوئد" را هم بطور ضمنی مطرح نمود. و آنچه قاضی ساندر در مورد کمبود وقت قاضی رابرت جفرسون از لندن به دلیل تراکم کار در رابطه با جنگ اکرائین، طی چهار ساعت بیان داشت، به باور من نوعی پاک کردن صورت مسئله بود. «کنت لوئیس» در برابر استدلال محدودیت وقت جفری رابرتسون به طور ضمنی گفت: «کارشناسان دیگری هم در این حوزه هستند و او میتواند از این طریق اقدام کند.» در این بحث یک نکته آشکار بود و در ادامه بحث‌ها معلوم شد که که اولاً از یک سو، وکلای نوری صد درصد مخالف طرح بحث «نسل کشی» بودند و حتی خواهان حذف ارتباط دادگاه با رابرتسون هم بودند و از سوی دیگر، قاضی، دادستان‌ها، و دیگر وکلای مشاور، همه در جریان بحث بودند و نظر مخالف داده بودند.

باید بگوییم: عکس العمل مخالفان بحث «نسل کشی»، که خود را دربرابر «کنت لوئیس» و موکلان اوجانبداران مجاهدین درکلاب ها دیده می شود، هیچ ارتباطی به نفی «نسل کشی» و مصادیق «جنایت علیه بشریت» در مضمون کشتار دهه شصت و زیراب کیفرخواست دادستانی را زدن معنی نداشته و ندارد.

بیان اثباتی جفری رابرتسون در دادگاه تصریح نمود: کشتار زندانیان به تنهایی جنایت علیه بشریت محسوب می شود و اگر این عمل سیستماتیک و با برنامه از قبل تعیین شده باشد می توان آن را نسل کشی نامید. این ترم سالهاست در مضمون گزارش «کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷»، جا باز کرده و قابل دسترس است.

نوشته یا کارمحققانه آقای یرواند آبراهامیان به نام «اعترافات شکنجه شدگان» چاپ انتشارات باران در خارج از کشور، مقاله با ارزش رفیق فرخ قهرمانی با عنوان: «قتل یا نسل کشی»^{*} همه و همه در قبال عدم پذیرش بارقضایی «نسل کشی» با این استدلال که حتما باید اجرای نقش را در چارچوب سیاست قوه قضائیه "مستقل" سوئد بررسی کرد، هیچ توجه ای نه بر پایه استدلال جفری رابرتسون دارند و نه مختصات نظرات تا حال طرح شده چپ رادبرابر خود می بینند و نه کمبود مفاد قانونی دستگاه قضایی سوئد را برمی تابند.

برای من استمرار این بحث در اساس برهم زدن بازی کیفرخواست موجود داستان های دادگاه نوری بعد از هفتاد جلسه دادگاه نیست، یا اینکه مثلا طرح «نسل کشی» به دادخواهی در سوئد ضربه میزند، بی پشتوانه ترین استدلالی است که تداوم این بحث پراهمیت می خواهند کم رنگ نمایند. این جماعت با هر چیزی که به خود می گیرند، مطلوب نظر وکلای نوری حرکت می کنند و سازمان مخالفانشان با جهت گیری کنت لوئیس - با ادعای جانبداری او از موکلان مجاهدین، بی معناست و ...

من بر آنم: بیان اثباتی این بحث و دامن زدن به آن، به تقویت پایه قضایی این بحث در سوئد برای موارد مشابه جنبش دادخواهی، برای تمامی دادخواهان واقعی رد برابر رژیم آدمکش جمهوری اسلامی اهمیت تاریخی خواهد داشت دارد. دامن زدن به بحص پراهمیت «نسل کسی» و نقد همه جانبه «قتل عمد» تا این همه نیروی چپ قتل عام شده به دستک «قتل» آویزان نگردند، بلکه کشتار دهه شصت دو تابستان خونین سال های ۶۰ و ۶۷ را از مصادیق «نسل کشی» و «جنایت علیه بشریت» بشناسند!

سومین موضوع، باز شدن پای جماعت سفارت تروریستی جمهوری اسلامی در صحن دادگاه استکهلم است. حال که به ماههای پایانی دادگاه محاکمه نوری میرسیم. حضور پررنگ خانواده ایشان و همراهان سفارتی در صحن دادگاه و مانور آنها را بیشتر می بینیم. در روز چهارشنبه و در حاشیه دادگاه ابتداء محمدرضا نیلی، کاردار سفارت ایران در سوئد، از حاضران در اعتراض عکس می گرفت، این امر با اعتراض جمعی و دخالتگری پلیس در خیابان روبرو شد. نیلی با شماری از حاضران و اتباع ایرانی حاضر در محوطه دادگاه درگیری لفظی پیدا کرد.

جدا از این، درگیری دیگری در صحن کریدور دادگاه، پس از آن رخ داد. شخص نیلی در زمان تنفس دادگاه از حاضران در محوطه دادگاه عکس می گرفت. این عمل با اعتراض روبرو شد، پاسخ تند این عمله نظام، در کریدور دادگاه با هنرمند شناخته شده ایرانی ساکن استکهلم،

خانم گیسو شاکری را به نمایش گذاشت که بازتابی وسیعی در سطح شبکه های مجازی یافته است.

در این روز کاردارسفارت «محمد رضا نیلی» و محافظ شخصی ایشان به نام «علاالدین ارهانی میرمحمدی»، با گردن کلفتی و وقاحت به زبان فحاشی و توهین جنسیتی به شخص گیسوشاکری درمیان جمع وسیعی از شاهدان و خانواده های خاورانی ها درکریدور دادگاه استکهم رُخ دادو راهش را کشید و بدون کمترین مانع خارج گردید . جا دارد که این موضوع توسط خانم گیسوشاکری وهمه شاهدین این رخداد تلخ روزچهارشنبه ۱۸ اسفند ۱۴۰۰ برابر با ۰۹ مارس ۲۰۲۲ پیگیری قانونی صورت گیرد .

پنجشنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۰ برابر با ۱۰ مارس ۲۰۲۲

منابع :

*** (کشتارزندانیان سیاسی ایران درسال ۱۳۶۷، گزارش جفری رابرتسون، ترجمه،هرمز حکمت)**

https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_5.pdf

*** (اعترافات شکنجه شدگان، پروانده آبراهامیان، ترجمه رضا شریفها ، چاپ باران سوئد)**

*** (مقاله قتل یا نسل کشی ، فرخ قهرمانی ، چاپ ۲۰۲۱)**

<http://dialogt.de/2021/9309/>

=====

لینک یادداشت هایم ازدادگاه حمید نوری (عباسی) و اظهارات شاهدان و شاکیان دادگاه چه حضوری و چه از طریق ویدئو... برای دادگاه از استرالیا و کانادا و آلبانی

https://drive.google.com/drive/folders/1I_-

[DDPT00mT6arD5agxkUrtLQkrNET6r?usp=sharing](https://drive.google.com/drive/folders/1I_-DDPT00mT6arD5agxkUrtLQkrNET6r?usp=sharing)